

سلجوقیان و زبان ترکی

آذر ۱۸، ۱۳۸۷

نویسنده: اردوغان مرچیل

نشریه Belleten

ش ۲۴۸ - آوریل ۲۰۰۴

گاهی پشتیبانی و حمایت حکمرانان ترک از زبان مادری خود، به سبب حاکمیتی که بر کشورهای دیگر داشته اند، مورد شک و تردید قرار میگیرد. هرچند پاره ای از پژوهشگران معتقد هستند که در دوره سلجوقیان زبان ترکی در دربار و ارتش مورد استفاده قرار ننگرفته، تاکنون دلایل کافی که مؤید این نظر باشد، عرضه نشده است. (۱) برخی دیگر از پژوهشگران نیز کوشیده اند که استفاده از زبان ترکی را با آثار ادبی توجیه کنند.

در این مقاله ضمن اشاره به این که تکلم به زبان ترکی در دربار و ارتش سلجوقیان متداول بوده، به ایضاح مطلب خواهیم کوشید. به نظر میرسد که اشاره به تداول زبان ترکی نزد سلاطین غزنوی که سلجوقیان ارتباط پیوسته‌ای با آنان داشتند و از سازمان و تشکیلات دولتی آنان متأثر شدند، مفید فایده خواهد بود.

نخستین خبر از تکلم به زبان ترکی در دوره غزنویان با سبکتگین (۹۹۷-۹۷۷)، بنیانگذار این خاندان ارتباط دارد. یکی از روستائیان که نخلستانی داشت، از فیلبانی که خرماهایش را گرفته و برده بود، شکایت پیش سبکتگین مبرد و وی بلافاصله به آلتون تاش (خوارزمشاه) که در کنارش بود، دستور میدهد: «زه کمان را درآور، ابتدا به طرف فیل و سپس به سوی درخت برو و فیلبان را با این زه بدار آویز.» (۲) سربازان سلطان محمود (۱۰۳۰-۹۹۸) در یکی از جنگهای خود با قراخانیان، تصنیفی را ترنم میکردند که «در ختن ساخته شده بود.» (۳) سلطان مسعود (۱۰۴۰-۱۰۳۰) نیز گاهی فرامینی را که نمخواست همه بشنوند به زبان ترکی صادر میکرد. (۴) وقتی ارتش غزنویان در جنگ دندانقان (۱۰۴۰) مغلوب شد و پراکنده گشت، مسعود به جنگ ادامه میداد و نزدیک بود که به اسارت بیافتد. در این اثنا یکی از مأموران دربار (جامه دار حاجب) به ترکی گفته بود که: «اگر سلطان به شتاب نرود، به دست دشمن خواهد افتاد.» سلطان پس از شنیدن این اخبار به وخامت اوضاع پی میبرد و میدان جنگ را ترک میکند. (۵) احمد عبدالصمد وزیر سلطان مسعود نیز با زبان ترکی آشنایی داشت. (۶) سپهسالار غازی و اربارق از فرماندهان نامی دوره های سلطان محمود بودند و گاهی به ترتیب مجالس شرابخواری دست میزدند و ترکانی که در آن مجالس حضور میافتند به مدح این دو فرمانده به زبان ترکی دست می‌آوردند. (۷)

وقتی جنگ دندانقان با پیروزی به پایان رسید، سلجوقیان که دیگر به ثروت دست یافته بودند، دور هم گرد آمدند. غنایمی که از جنگ به دست آورده بودند، حد و حصری نداشت و کسی نمیتوانست در مقابلشان عرض اندام بکند. آنها به ترکی میگفتند که «ما به این کار موفق شدیم.» (۸) یکی از دلایلی که ثابت میکند زبان ترکی در دوره سلجوقیان مورد استفاده قرار نگرفت، با ابراهیم ینال (ف . ۱۰۵۹)

ارتباط دارد. «قریش» از عقیلی‌ها و «دوبیش» از مزیدی‌ها که دست همکاری به ارسالن بساسیری داده بودند، تقاضای عفو از سلطان طغرل بیگ (۱۰۶۳-۱۰۳۸) کردند و چون با مخالفت ابراهیم ینال مواجه شدند، نامه‌ای به وزیر عمیدالملک نوشتند و از وی استمداد کردند. ابراهیم ینال که از ماجرا مطلع شده بود، به ترکی به وزیر عمیدالملک گفت: «آیا توانستی سلطان و اعراب را به صلح راضی کنی؟ صلح میان کسانی اتفاق مافتد که در مرتبه و مقام مساوی قرار گرفته‌اند...» و پس از آن که جواب وزیر را گرفت، سخنش را چنین ادامه داد: «امروز به چادرت برو، استراحت کن و فردا به خدمت سلطان مرسی)»۹۰)

وقتی طغرل بیگ روز ۲۴ ژانویه ۱۰۵۸ با خلیفه قائم بامرالله ملاقات کرد، خلیفه خطاب به رئیس الرؤسا دستور داد که طغرل بیگ در کنارش بنشیند و وزیر کندی به خاطر ترجمه و توضیح مطالب سلطان در کنار طغرل جای بگیرد. بدین ترتیب هر دو در جایی که خواسته شده بود، نشستند. عمیدالملک کندی سخن خلیفه را عینا به سلطان ترجمه نکرد. ۱۰)

خلیفه قائم بامرالله پس از رهایی از دست ارسالن بساسیری دوباره با طغرل بیگ ملاقات کرد (ژانویه ۱۰۶۰). در این دیدار طغرل بیگ رشته بافته شده از یاقوت سرخ را که به آل بویه تعلق داشت بیرون آورد و جلوی خلیفه گذاشت؛ سپس ۱۲ عدد مروارید هشت گوشه بزرگ و ارزشمند را نیز بیرون آورد و گفت: «اینها هدیه ارسالن خاتون هستند که توسط من به شما فرستاده و از من خواسته است که امیرالمؤمنین تسبیحی از اینها بسازد.» سلطان این مطلب را به ترکی به عمیدالملک گفته و از او خواسته بود که برای خلیفه ترجمه کند. (۱۱) از این جا مستفاد میشود که عمیدالملک به جز فارسی که زبان مادریش بود با زبان ترکی نیز آشنایی داشت. (۱۲) وقتی مؤلف کتاب «تفضیل الاتراک علی سائر الجناد» اثر خود را به عمیدالملک میدهد، از وی میخواهد که «آن را به ترکی به طغرل بیگ تفسیر و تشریح کند.» (۱۲/الف)

آخرین مطلب در خصوص رواج زبان ترکی در دوره طغرل بیگ با عروسی سلطان و سیده دختر خلیفه ارتباط دارد (۱۰۶۳). در مراسم عروسی، دولتمردان سلجوقی و نزدیکان سلطان مرقصیدند و تصانیف ترکی ترنم می‌کردند. (۱۳) به روایتی دیگر (۱۴) سلطان نیز با اشراف ترک پیاخته و موافق با رسوم و عاداتهای خود رقصیده... و تصانیف ترکی خوانده بود.

هرچند هنوز سند و مدرکی در دست نیست که نشان بدهد سلطان آلپ ارسالن (۱۰۷۲-۱۰۶۳) به زبان ترکی تکلم می‌کرده است، منابع مربوط به جنگ ملازگرد نشان میدهد که سلطان خطابه‌هایی به ترکی داشته است. به عنوان مثال ابن اثیر (۱۵) منویسد که سلطان پیش از شروع جنگ، خطاب به سربازانش گفته بود: «من به خاطر رضای خدا صبر کرده، وارد جنگ خواهم شد؛ اگر زنده بمانم، لطف حضرت پروردگار بر من است و اگر شهید شوم، پسرملکشاه جانشین من خواهد بود.» معلوم نیست آلپ ارسالن در این سخن و دیگر سخنانی که خطاب به سربازان و فرماندهانش ادا می‌کرده و نیز در دیدار مشهوری (۱۶) که با رومانس دیوجانس، امپراتور بیزانس داشته از چه زبانی استفاده می‌کرده است؟

از دیگر سو وقتی «اوزها» و «پچنک‌ها» در جریان جنگ ملازگرد ترکان سلجوقی را دیدند، از کلام و سر و وضعشان دریافتند که از یک ریشه و تبار هستند و به سلجوقیان پیوستند. (۱۷) سلطان آلپ ارسالن در یک مجلس شرابخواری که سیاه مست افتاده بود، قتل محمود، امیر حلب را میخواهد و نظام الملک و همسر سلطان او را از این کار مانع میشوند. (۱۸) معلوم نیست این سه به

چه زبانی صحبت مسکرده اند؟ تحقیق لازم در این خصوص ضرورت دارد). ۱۹)

مکاتبات ترکی سلطان ملکشاه (۱۰۹۲-۱۰۷۲) جالب توجه است. کمال الدین ابوالرضا فضل الله بن محمد، صاحب دیوان الانشاء یکی از ندیمان این سلطان بود. وی مورد توجه فوق العاده سلطان بود و پیوسته در التزام رکابش قرار داشت. روزی کمال الدین به سبب مانعی که ایجاد شده بود، در خدمت سلطان حضور نداشت. سلطان به ترکی به او منویسد: «تو متوانی بدون من بمانی، ولی من نمیتوانم بدون تو بمانم...» معلوم نیست سلطان که نامه اش را به ترکی نگاشته، چه الفبایی را به کار برده است؟ هرچند این مطلب نیز باید مورد بررسی قرار گیرد، ولی تحریر بعضی کلمات و جملات ترکی با الفبای عربی در منابع، موضوع را تا اندازه ای تصریح میکند.

محمد تاپار (۱۱۱۸-۱۱۰۵) یکی دیگر از سلاطین ترک است که به زبان ترکی تکلم مسکرده است. پس از قتل سلطان برکیارق (۱۱۰۴)، پسر او ملکشاه که دوره طفولیت را مسگذرانید، در بغداد به عنوان سلطان بر تخت نشست و امیر ایاز به اتابگی او برگزیده شد. در همین اثنا محمود تاپار روی به بغداد گذاشت. اتابگی ایاز ضمن همراهی با محمد تاپار سلطنت او را به رسمیت شناخت. ایاز به ترتیب ضیافتی بزرگ دست زد و سلطان محمد تاپار را نیز بدان ضیافت دعوت کرد. ولی از تصادف نامیمون، در این ضیافت بر اثر شوخی غلامان، یکی از کتاب به یکی از نزدیکان سلطان پنهانده شد. سلطان که از این مساله مشکوک شده بود، به زبان ترکی به یکی از غلامان خود دستور داد که مخفیانه پنهانده را مورد بازرسی بدنی قرار بدهد. (۲۵ فوریه ۱۱۰۵) ۲۱).

تتش، سلطان سلاجقه سوریه (۱۰۹۵-۱۰۷۸) نیز یکی از سلاطین سلجوقی است که به زبان ترکی تکلم مسکرد. او کسی بود که به خاطر دستیابی به حاکمیت حلب با سلیمان شاه، فاتح آناتولی جنگیده و در پایان این جنگ (۴ ژوئن ۱۰۸۶) او را کشته بود. تتش پس از تشخیص جسد وی به زبان ترکی گفته بود: «ما به شما ظلم کردیم، شما را از خود دور ساختیم و بدین ترتیب هم مسکشیم» (۲۲).

در دوره سلطان سنجر (۱۱۵۷-۱۱۱۸) طوغان بیگ که ریشه و منشاء ترکی داشت و بدین جهت با زبان ترکی آشنا بود... بر سلطان تأثیر کرده و به عنوان وزیر تعیین شده بود. (۲۳) نظر ما درخصوص صحبت سلطان سنجر به زبان ترکی با غزان چادرنشین در اثنایی که در جشن آنان بسر مسبرد (۱۱۵۶-۱۱۵۳)، محتملا قرین صواب است.

ازتوجه به زبان ترکی در دوره سلجوقیان عراق اطلاعی در دست نیست. مسعود با حمایت اتابگی چاووش علییه برادرش سلطان محمود (۱۱۳۱-۱۱۱۸) قیام کرده بود. در اثنای جنگ وقتی چشم مسعود به محمود مسافتد، فریاد «ایچی ایچی» سر مسدهد (۱۴ ژوئن ۱۱۲۰) (۲۴). در منبع این خبر آمده است که «ایچی» در زبان ترکی در مفهوم برادر بزرگ مسباشد.

مستوان گفت که در دوره سلجوقیان ترکیه نیز زبان ترکی مورد استفاده قرار مسگرفت. یکی از نمونه ها با حاجب زکریا ارتباط دارد. پس از مرگ سلطان سلیمان شاه دوم (۱۲۰۴)، امیران سلجوقی برای اینکه غیاث الدین کیخسرو را در تخت بنشانند، زکریا را به استانبول فرستادند. ابن بسبی (۲۵) منویسد: «حاجب زکریا در ملک روم (آناتولی) بر پنج زبانی که مردم تکلم مسکردند، حاکمیت یافته و با ظرایف آن زبانها آشنا شده بود.» مسلما یکی از این پنج زبان، ترکی باید باشد. یازیجی زاده (۲۶) عبارت ابن بسبی را به شکل «به جز ترکی و فارسی با پنج زبانی که در آناتولی و روم ایلی مورد استعمال داشت...» نقل کرده است. مرحوم پروفیسور دکتر عثمان توران (۲۷) منویسد که در این دوره چهار زبان مورد تکلم را زبانهای ترکی، یونانی و ارمنی و در کنار آنها زبان فارسی که در شهرهای بزرگ و محافل فرهنگی رواج داشت، تشکیل مسدادند. وی در مورد زبان پنجم تردید مسکند. حادثه ای که در محاصره اخلاط از

سوی سلطان جلال الدین خوارزمشاه رخ داد، وجود حداقل سه زبان را تسجیل میکند. پیرزنی که از اخلاط حضور سلطان جلال الدین رسیده بود، با زبانهای عربی، ترکی و ارمنی آشنایی داشت. (۲۸) در دوره عزالدین کیکاووس اول (۱۲۱۹-۱۲۱۰) قلعه خانجین که در اختیار ارمنه بود، مورد حمله نیروهای سلطان قرار گرفت. عزالدین کیکاووس دستور جنگ صادر کرد و سربازان به ترکی فریاد «اطلان، اطلان» سردادند. ابن بنبی (۲۹) این دستور سلطان را عینا با الفبای عربی به ترکی نقل کرده است.

سلطان علاءالدین کیقباد اول (۱۲۳۷-۱۲۱۹) با سفیران جلال الدین خوارزمشاه که به حضورش باریافته بودند، بدون توسل به مترجم صحبت کرده بود. (۳۰) از بنیازی سلطان به مترجم، برمیآید که محاوره وی با سفیران جلال الدین به ترکی بوده است. (۳۱) علاءالدین کیقباد به هنگام صحبت با ملک اشرف که به همکاری علیه خوارزمشاه دست زده بود، وظیفه ترجمه را به امیر کمال الدین کامیار محول کرده بود. همو بود که (۳۲) سخن ملک اشرف که به عربی ادا میشد را به ترکی برمیگرداند. ابن بنبی (۳۳) در شرح فضایل سلطان علاءالدین کیقباد، از رباعیات وی نیز سخن به میان میآورد. یازبجی زاده (۳۳) نیز مافزاید: «هرچند که ترکی الاصل و سلطان غزان بود، در آن روزگاران که خبری از شعر ترکی نبود و از اقلیم عجم آمده بود، اغلب اوقات شعر فارسی مسرود.» بدین ترتیب یازبجی زاده حاکمیت فارسی را در صحنه ادبیات تصدیق و تأیید میکند و ضمن اشاره به اینکه سلجوقیان ترکی الاصل بوده اند، از تکلم آنان به ترکی در پشت صحنه سخن به میان میآورد.

قلیچ ارسلان چهارم، سلطان سلجوقیان ترکیه (۱۲۵۶-۱۲۵۷) به سبب عدم تفاهمی که با معین الدین پروانه داشت، به وی گفته بود: «ایچی مستی یا مغشوشی؟» (۳۵) واژه ترکی «ایچی» که در حوالی سال ۱۱۲۰ مورد استعمال یافته بود، بعدا پس از حدود یک قرن و نیم در آناتولی ادامه حیات داد و مورد استفاده قرار گرفت.

در دوره ای که سلجوقیان ترکیه دوره فروپاشی را طی میکردند، گسترشی در مورد زبان ترکی پدید آمد (۱۲۷۷). شکی نیست که پس از حاکمیت مغولان بر آناتولی و با ورود قبایل جدید ترکمن به این منطقه، بر تعداد ترک‌زبانان افزوده شد. علاءالدین سیاوش (جمری) که از حمایت ترکمنان برخوردار شده بود، فردای روزی که بر تخت نشست، تصمیمی مهم در مورد رسمیت زبان ترکی اتخاذ کرد (۱۳ مه ۱۲۷۷) (۳۶).

از سوی دیگر دلیلی در دست است که حکمرانان مغول حاکم بر آناتولی و مردم منطقه به زبان ترکی صحبت میکردند. گیخاتو (۱۲۹۵-۱۲۹۱) در منطقه ایلگین به یک روستایی که گندم میکاشت، کمک کرده و به ترکی گفته بود: «یکی بیش اچجیا، یکی بیش اچجیا» (۳۷).
به عنوان نتیجه میتوان گفت:

در دوره سلجوقیان بزرگ تکلم در دربار و ارتش به زبان ترکی بوده است. در میان دیوانسالاران نیز افرادی بودند که به زبان ترکی صحبت میکردند. زبان ترکی در دوره سلجوقیان آسیای صغیر نیز موجودیتش را ادامه داده، در دوره های بیگ نشینی و عثمانی، زبان حاکم آسیای صغیر شده بود

پاورقیها:

- 1992, s. 235; O. Turan, Selçuklular Tarihi ve Türk-İslâm Medeniyeti, Ankara 1965, s. 312, 318.
- ۲- خواجه ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی: تاریخ بیهقی (نشر غنی - فیاض) تهران ۱۳۳۴ شمسی، ص ۴۵۰
- ۳- V. V. Barthold, Moğol İstilâsına Kadar Türkistan (Haz. H. D. Yıldız=, Ankara 1990, s. 292.
- ۴- بیهقی: همان اثر، ص ۱۶۳، ۱۶۶، و ۴۳۸
- ۵- همان اثر، ص ۶۲۴ مقایسه کنید با:
- M.A. Köymen, Büyük Selçuklu İmparatorluğu Tarihi, I, Kuruluş Devri, Ankara 1979, s. 339.
- ۶- همان اثر، ص ۶۵۵
- ۷- همان اثر، ص ۷۲۲
- ۸- همان اثر، ص ۶۲۸ غنی و فیاض به نادرست بودن این عبارت اشاره میکنند، ص ۶۲۸ (یادداشت شماره ۵). کوی من (Kuruluş devri, s.344) با استفاده از نشر سعید نفیسی، بیهقی را عینا به شکل ما ترجمه کرده است.
- ۹- برای اطلاع از مطالب مربوط به سلجوقیان و دوره سلطان طغرل بیگ در کتاب «مرآت الزمان فی تاریخ الاعیان» ابن جوزی نگاه کنید به:
- Ali Sevim, Belgeler, Sayı: 22, Ankara 1997, s. 22.
- ۱۰- همان اثر، ص ۲۷ البنداری: زبده النصره و نخبه العصره (متن عربی، ص ۱۴).
- Kivameddin Burslan, Irak ve Horasan Selçukluları Tarihi, İstanbul 1943, s.11.
- ۱۱- نگاه کنید به ابن جوزی؛ همان اثر، ص ۵۲
- ۱۲- به نظر کوی من (Köymen) عمیدالملک با زبانهای فارسی، ترکی و عربی و هندی آشنا بود.
- Alp Arslan ve Zamanı, III, s. 157.
- ۱۲/۱- نگاه کنید به:
- Abbas Azzavî, "İbn Hassul'un Türkler Hakkında Bir Eseri", Türkçeye çeviren Şerefeddin Yaltkaya, Belleten sayı: ۱۴-۱۵, Ankara 1940, s. 247, 262.
- ۱۳- نگاه کنید به ابن جوزی؛ همان اثر، ص ۸۳، ۸۲
- ۱۴- نگاه کنید به:
- Gregory Abu'l Farac (Bar Hebraeus), Abu'l Farac Tarihi, I, Trk.trc. Ömer R. Doğrul, Ankara 1987, s. 315. Krş. Turan, Selçuklular Tarihi, s. 94.; M. A. Köymen, Tuğrul Bey ve Zamanı, İstanbul 1976, s. 120.
- ۱۵- نگاه کنید به:
- İslâm Tarihi, El-Kâmil Fi't-Târih Tercümesi, çvr. A. Özaydın, I cilt, İstanbul 1987, s. 71-72.
- ۱۶- نگاه کنید به:
- İslâm Kaynaklarına göre Malazgirt Savaşı (metinle ve çevirileri), F. Sümer – A. Sevim, Ankara 1971.
- ۱۷- نگاه کنید به:
- Urfalı Mateos Vekayi-Nâmesi (952-1136) ve Papaz Grigor'un Zeyli (1136-1162), Trk. Çvr. Hrant D. Andreasyan, Ankara 1962, s. 143. Krş. İ. Kafesoğlu, Malazgirt (Malazgirt muharebesi) mad., İA., s. 246.; Köymen, Alp Arslan ve Zamanı, III, s. 34.

۱۸- نگاه کنید به:

Biyografilerle Selçuklu Tarihi, İbnü'l-Adîm Bugyetü't-Taleb fî Tarihi Haleb (Seçmeler), çeviri notlar ve açıklamalar, Ali Sevim, Ankara 1982, s. 18.

۱۹- نظام الملک با هزاران غلام ترک خود (نگاه کنید به: ترجمه ترکی ابن الاثیر ص ۱۲۳) چگونه صحبت میکرد؟ باتوجه به این مطلب و اینکه از دوره غزنویان به بعد در خدمت ترکان بوده است، به احتمال قریب به یقین میتوان گفت که وی با زبان ترکی آشنایی داشته است.

۲۰- صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی الحسینی: اخبار الدولت السلجوقیه (نشر محمد اقبال، لاهور ۱۹۹۳، ص ۶۸۸۹، ترجمه ترکی نجاتی لوغال: آنکارا، ۱۹۴۳، ص ۴۷). مقایسه کنید با: Turan: Selçuklular Tarihi, 318

۲۱- نگاه کنید به: ابن الاثیر (ترجمه ترکی، ص ۳۱۴). در مورد این حادثه نگاه کنید به:

A. Özaydın, Sultan Muhammed Tapar Devri Selçuklu Tarihi (498-511/1105-1118), Ankara 1990, s. 43.

- A. Sevim, Suriye ve Filistin Selçukluları Tarihi, Ankara 1983, s. 124.۲۲

۲۳- نگاه کنید به سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی: آثار الوزراء (نشر میرجلال الدین حسینی ارموی - تهران: ۱۳۳۷ شمسی، ص ۲۳۶؛ خواندمیر: دستورالوزراء (نشر سعید نفیسی - تهران: ۱۳۱۷ شمسی، ص ۱۹۱). مقایسه کنید با:

A. Taneri, "Büyük Selçuklu İmparatorluğu'nda Vezirlik", TAD. V. Ankara 1970, s. 96.

۲۴- نگاه کنید به: اخبار (متن عربی) ص ۹۶-۹۷ و ترجمه ترکی، ص ۶۸؛ بنداری (متن عربی) ص ۱۳۳-۱۳۲، ترجمه ترکی، ص ۱۲۷-۱۲۶

۲۵- نگاه کنید به: الاوامر العلاییه فی الامور العلاییه (نشر ارزی) - آنکارا: ۱۹۵۶ جلد اول ص ۷۷، ترجمه ترکی (مرسل اوزترک) آنکارا، ۱۹۹۶ جلال الدین، ۹۷، ۲۶- نگاه کنید به:

M.Th. Houtsma, Recueil de Textes relatifs a'l'histoire des Seljoudides, Histoire Des

- Seldjoudides D'Asie Mineure D'Abres İbn-Bibi Texte Turc, III, Leiden 1902, s. 63.۲۷

۲۸- نگاه کنید به: محمد نسوی: سیرت جلال الدین منگبرنی (نشر مجتبی مینوی)، تهران: ۱۳۴۴ شمسی، ص ۲۰۸

۲۹- نگاه کنید به: متن فارسی ص ۱۶۶ و ترجمه ترکی ص ۲۸۲، ۲۸۱

۳۰- نگاه کنید به: ابن ببی، ص ۳۷۶ (ترجمه ترکی ص ۳۸۲-۳۸۱).

۳۱- جلال الدین خوارزمشاه نیز ترکی گوی بوده است، نسوی، ص ۲۸۱،

۳۲- نگاه کنید به: ابن ببی ص ۳۸۷ (ترجمه ترکی جلد اول ص ۳۹۰)

۳۳- نگاه کنید به متن فارسی ص ۲۲۸ (ترجمه ترکی، ص ۲۴۶)

۳۴- نگاه کنید به ص ۲۱۶

۳۵- نگاه کنید به: کریم الدین محمود بن محمد آقسرائی: مسامره الاخبار (نشر عثمان توران)، ۱۹۴۴، ص ۸۵ و یادداشت ۳؛ ترجمه ترکی مرسل اوزترک، آنکارا ۲۰۰۰، ص ۶۵، مقایسه کنید با:

N. Kaymaz, Pervâne Mu'înü'd-Dîn Süleyman, Ankara 1970, s. 120.

- E. Merçil, "Türkiye Selçukluları Devrinde Türkçe'nin Resmî Dil Olmasını Kim Kabul Etti:", ۲۶, Ankara 2000, s. 51-57.۲۲۹Belleten, Sayı:

۳۷- عثمان توران: مسامره الاخبار (مقدمه) ص ۲۴،

F.N. Uzluk, Anadolu Selçukluları Devleti Tarihi, III, Ankara 1852, s. 80, Turan, Müsameret ül-
Ahbâr, önsöz, s. 24.
* این مقاله به دومین کنگره ملی ایران شناسی (تهران: ۳۰ آذر - ۳ دی ۱۳۸۳) عرضه شده است.